

تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی

فاطمه صنعتی*

زهره موسی‌زاده**

چکیده

یکی از مسائل جدید در تعلیم و تربیت کشورهای پیشرفته وارد کردن برنامه‌های تربیت اقتصادی به سیستم آموزشی در کنار آموزش مهارت‌های اولیه و ضروری است، که این مسئله ناشی از اهمیت روزافزون این موضوع می‌باشد. این پژوهش با هدف تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی صورت گرفت. روش انجام پژوهش، تحلیل متن به روش قیاسی-استقرایی بود. جامعه آماری پژوهش آیات قرآن کریم بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، آیات مرتبط با موضوع پژوهش، تا رسیدن به حد اشباع، مورد بررسی قرار گرفت. از پرسشنامه محقق ساخته به منظور دریافت تأیید نظر متخصصان جهت بررسی تناسب مقوله‌های استخراج شده با اهداف پژوهش استفاده شد.

یافته‌های پژوهش در تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی، شامل استخراج ۴۸ مؤلفه ذیل سه مفهوم کلی تولید، توزیع و مصرف است. به تفکیک در ذیل مفهوم تولید، ۳ مقوله عوامل تولید، کسب و کارهای مولد و عوامل بهره‌وری تولید با ۱۹ زیرمقوله، در ذیل مفهوم توزیع، ۳ مقوله هدف توزیع، ابزارهای مالی توزیع و آسیب‌شناسی توزیع ثروت با ۱۶ زیرمقوله و در ذیل مفهوم مصرف، ۲ مقوله نیازها و انگیزه‌های ایجاد مصرف و ویژگی‌های مصرف با ۱۳ زیرمقوله، استخراج و طبقه‌بندی شده است.

واژگان کلیدی: تربیت اقتصادی، تولید، توزیع، مصرف، آموزه‌های اسلامی

مقدمه

رشد اقتصادی در کنار سالم‌سازی فعالیت‌ها و مقابله با مفسدات از یکسو و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری عموم مردم از رفاه اقتصادی از سوی دیگر، از دغدغه‌های مهم جوامع در عصر حاضر است. این در حالی است که مهم‌ترین شیوه‌ها و عناصر دستیابی به آنها در آموزه‌های اسلامی ارائه شده است، آن‌سان که توجه به آنها، به یقین می‌تواند رفاه عمومی را به ارمغان آورد (ایروانی، ۱۳۸۳).

توجه کشورها به مسائل اقتصادی و همچنین نگاه اصولی به معیشت در اسلام، نشان از اهمیت این موضوع در روند پیشرفت کشورها و رسیدن به جامعه‌ای متعالی است. از این‌رو، تربیت اقتصادی در مبنای نظری تحول‌بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شده، یکی از ساحت‌های شش‌گانه نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است که توجه به آن در کنار دیگر جنبه‌ها منجر به دستیابی به حیات طیبه و پرورش متریبانی شایسته در همه جنبه‌ها می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰).

بیان مسئله و ضرورت

جهان امروز دریافته است که تعلیم و تربیت آشکار و پنهان افراد، سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری کند، بی‌شک از ثمرات آن در آینده برخوردار خواهد شد. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه در جوامع پیشرفته نیز نشان می‌دهد که همه این کشورها نظام تربیتی توانمند و کارآمدی دارند. این کشورها نسبت به هرگونه ضعف در فهم مفاهیم و مهارت‌های مربوط به تصمیم‌گیری و تحلیل اقتصادی حساس هستند و برنامه‌هایی را برای مقابله با آن از سطح کودکان تا دانشگاه از طریق برنامه‌های رسمی و غیررسمی تدارک می‌بینند (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰).

اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مهم در چارچوب نقش‌های مصرف‌کننده، تولیدکننده و سرمایه‌گذار زمانی فراهم می‌شود که افراد جامعه مفاهیم اقتصادی و کاربرد آنها را درک کنند و تصمیم‌های اقتصادی مؤسسه‌ها، دولت و افراد را تشخیص دهند. تربیت اقتصادی برای سلامت اقتصاد ملی در هر جامعه‌ای امری حیاتی است و به شهروندان اجازه می‌دهد که طرح‌هایی را برای آینده مالی موفق تدوین کنند، درک بهتری از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت داشته باشند و مهارت‌های لازم برای رسیدن به اهداف شخصی، مانند پس‌انداز، آموزش عالی و سرمایه‌گذاری را کسب کنند (سانتامرو، ۲۰۰۳^۱).

اسلام به همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان توجه دارد با وجود اینکه هدف از آفرینش

1. Santomero

انسان را تکامل معنوی او می‌داند، در عین حال، توجه خاصی به مسائل اقتصادی و مادی او دارد و در کنار توجه به آخرت، به انسان گوشزد می‌کند که نصیب دنیا را نیز از دست ندهد (ایمانی، ۱۳۹۱). با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت دغدغه اصلی برای پرداختن به مسئله تربیت اقتصادی در این پژوهش و تبیین مؤلفه‌های آن، این است که مسئله تربیت اقتصادی برای تدوین اهداف آموزشی در ابعاد دانش، نگرش و توانش هیچ سامانی ندارد و در زمینه تدوین اهداف و برنامه‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در عرصه اقتصاد مبتنی بر تجارب دنیا و ارزش‌های دینی و فرهنگ اسلامی تا کنون کار جامعی انجام نشده است، از سوی دیگر، با وجود توجه به فرهنگ کار و تلاش در برنامه درسی ملی، صرفاً به کسب رزق حلال توجه شده است که نتایج این پژوهش می‌تواند در تکمیل مؤلفه‌های لازم برای کسب شایستگی‌های مورد نظر این برنامه مؤثر باشد. در کشورهای غربی و ذیل اقتصاد سرمایه‌داری موارد فراوانی وجود دارد که مترصد انتقال الگو و تجربیات خود برای کشورهای دنیا نیز هستند و از این جهت ضروری است با نگرشی ملی و به خصوص اسلامی در این مورد چاره‌اندیشی و سرمایه‌گذاری شود. به همین دلیل ضروری است که برای تدوین اهداف آموزشی، ابتدا مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه‌های مختلف متناسب با جامعه بر اساس آموزه‌های اسلامی استخراج شده و ساماندهی شود. از این‌رو، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی چیست؟

مفهوم تربیت اقتصادی^۱

امروزه در ادبیات متعارف مراد از «تربیت اقتصادی» برنامه‌ها و اقداماتی است که بیشتر کشورهای پیشرفته برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا درمی‌آورند. بررسی و مطالعه این تجربیات جهانی به‌ویژه در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که آنها تلاش‌های نظام‌مندی را در این راستا برای مقاطع سنی گوناگون از کودکی تا بزرگسالی انجام داده‌اند تا به این وسیله، بتوانند نسلی را برای ورود به عرصه اجتماع آماده کنند که نه تنها مفاهیم اقتصادی را بدانند، بلکه به بهترین وجه حائز مهارت تفکر اقتصادی بوده و ضمن بهره‌مندی از یک منطق فکری، قابلیت تحلیل شرایط مختلف اقتصادی و تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه را داشته باشد (طغیانی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱).

تربیت اقتصادی از نظر بکر^۲ همه مهارت‌ها و توانمندی‌هایی است که بر دانش آموزش اقتصاد متمرکز است و شامل محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ارزیابی این روش‌ها و به‌طور کلی اطلاعات اقتصادی عمومی است که از ابتدایی تا پایان دبیرستان مدنظر معلمان است و نیاز است که دانش‌آموزان به آنها دست یابند (به نقل از پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰).

1. Economic Education

2. Becker

کامینسکی^۱ معتقد است: «تربیت اقتصادی همه تلاش‌های آموزشی به منظور آماده کردن یادگیرندگانی با دانش، توانایی، مهارت، انگیزه و نگرش‌هایی است که آنها را به سازماندهی و مقابله با موقعیت‌های زندگی آینده در شرایط مختلف اقتصادی در ابعاد سیاسی، قانونی، فنی و اخلاقی در سطوح اقتصادی خصوصی و جهانی قادر سازد» (کامینسکی، ۱۹۹۶، ص ۶).

تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از: «ایجاد آمادگی‌های لازم در متربی به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید و توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶)».

با توجه به هدف پژوهش حاضر، که تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، ضرورت دارد که با در نظر گرفتن کلیه تعاریف موجود، بازتعریفی متناسب با هدف پژوهش انجام شود. این بازتعریف، با توجه به حوزه‌های مرتبط با این موضوع یعنی اقتصاد، تربیت و مبانی انسان‌شناسی به صورت خلاصه به شرح زیر است:

1. Kaminski, H



نمودار 1: بازتعریف تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی (نگارندگان)

با بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، این نتیجه حاصل شد که بیشتر پژوهش‌ها به‌طور کلی به مسئله تربیت اقتصادی (حیدری، ۱۳۸۰؛ طهماسبی سروسستانی، ۱۳۷۹؛ جدیری، ۱۳۷۸) پرداخته‌اند و پژوهش‌های محدودی هم به طراحی برنامه (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰) و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی فرهنگ اقتصادی با استفاده از آثار تمدن اسلامی (طغیانی و زاهدی وفا، ۱۳۹۱) اقدام کرده‌اند. از این‌رو، به دلیل وجود نداشتن چارچوب سازماندهی شده در این زمینه، این پژوهش با استناد به آیات قرآن کریم، درصدد تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی و ارائه توصیف و تحلیل با توجه به آیات است.

روش پژوهش

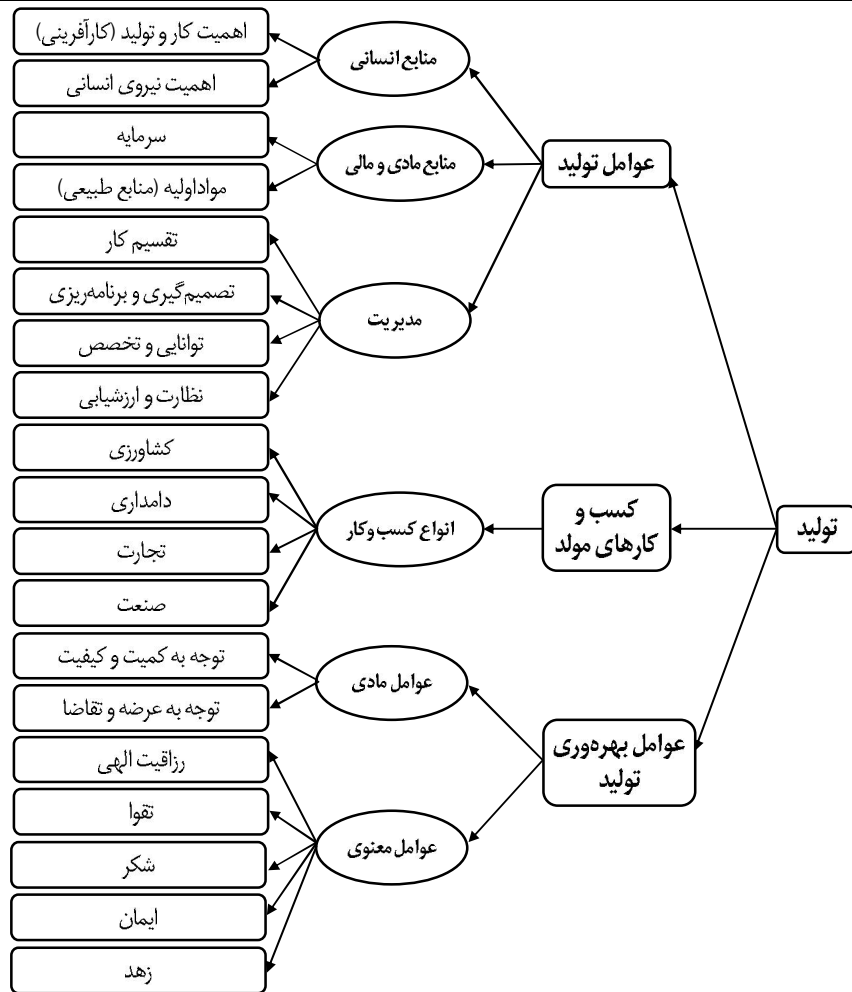
پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است که با توجه به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در دانش متعارف، منابع اسلامی مطالعه و تحلیل شد. هدف از به‌کارگیری این روش در پژوهش، دستیابی به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی است که به منظور تحلیل محتوا از روش قیاسی-استقرایی استفاده شد. در این پژوهش، ابتدا همه آیات قرآن کریم بررسی شد و به جستجوی آیاتی که مضامین اقتصادی داشتند، پرداخته شد. در این مرحله ۱۴۳ کد اقتصادی (برگرفته از آیات) شناسایی، استخراج، تحلیل و در قالب مقوله‌ها طبقه‌بندی شدند. سپس از میان این کدها با توجه به پیشینه پژوهشی که در زمینه تربیت اقتصادی وجود داشت، کدهایی که ارتباط بیشتری با مباحث تربیت اقتصادی داشتند و قابل بهره‌برداری تربیتی بودند غربال گردیده و مجدداً در ذیل مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی با تحلیل استقرایی طبقه‌بندی شدند. جامعه پژوهش حاضر در حوزه تحلیل متن آیات قرآن کریم است. روش نمونه‌گیری پژوهش، هدفمند است و نمونه‌ها بر اساس نیاز پژوهش و در راستای اهداف پژوهش انتخاب شد.

یافته‌های پژوهش و تفسیر آنها

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش که شناسایی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی است، مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در ذیل سه مفهوم تولید، توزیع و مصرف به روش تحلیل محتوا به شرح ذیل استخراج شد:

بخش اول: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه تولید

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در ذیل مفهوم تولید، مؤلفه‌هایی هستند که برای تولید هر کالا و یا خدمتی، انسان نیازمند آنهاست تا تولید محقق شود و برای دستیابی به تربیت اقتصادی در بخش تولید می‌توان برنامه‌های درسی را بر اساس این محتوا متناسب با سطح درک و انتزاع دانش‌آموزان تدوین کرد. مؤلفه‌های شناسایی شده در حوزه تولید، بر اساس یافته‌های پژوهش، به اجمال در نمودار شماره ۲ ارائه شده است.



نمودار 2: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه تولید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی (نگارندگان)

۱. منابع انسانی

تشویق اسلام به کار و تلاش در راستای تربیت فرد کارآفرین است. فردی که با اتکا به کوشش خود و توکل به خداوند بتواند از حداکثر توانایی‌های جسمی، مادی و تخصصی خود از راه حلال در جهت منافع خود در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند استفاده نماید؛ زیرا خداوند در آیه ۱۲ و ۱۳ سوره جائیه می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ خَدَّاسْتِ أَنْ كَهْ بَرَاي شَمَا دَرِيَا رَا مَسْخَرُ كَرْدَانِيْد تَا كَشْتِي بَهْ اَمْرِ اُو دَرِ اَنْ جَارِي شُوْد وَ اَزِ اَنْ اَزِ فَضْلِ خُدَا

روزی تولید... و آنچه در آسمانها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و در این کار نیز برای مردم با فکرت آیاتی کاملاً پدیدار است».

از طرفی اسلام پایه هرگونه بهره‌گیری مادی و معنوی انسان را سعی و تلاش می‌شمارد تا آنجا که در آیه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» بهره انسان را منحصرراً در کوشش و تلاش قرار می‌دهد. پیشوایان اسلام برای ارائه الگو به دیگران، سخت و طاقت‌فرسا کار می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۱). در آیات قرآن کریم، در زمینه اهمیت نیروی انسانی به چهار ویژگی مهم دانش، تخصص، توانایی و تعهد (امانتداری)، اشاره شده است و هیچ‌یک از این عناصر، به تنهایی نمی‌توانند ملاک ارزیابی و مطلوبیت نیروی انسانی باشد (ایروانی، ۱۳۸۴).

۲. منابع مالی و مادی

سرمایه: در دیدگاه اسلامی، سرمایه‌های اولیه از دو جهت در تولید جامعه مدنظر است: ۱. اهمیت بهره‌گیری از سرمایه برای مولد ساختن جامعه: در آیه ۵ نساء «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» می‌فرماید سرمایه نباید راکد بماند. اموال یتیمان و سفیهان هم باید بر مدار تولید و سوددهی قرار گیرد و از درآمدش زندگی آنان بچرخد نه از اصل مال (مغنیه و دانش، ۱۳۷۸)؛ زیرا راکد نگذاشتن سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و کارآفرین موجب رونق تولید و افزایش بهره‌وری و در نهایت رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، رشد اقتصادی یک جامعه منجر به بی‌نیازی کشور از بیگانگان و کاهش سلطه آنان خواهد شد؛ ۲. سرمایه‌گذاری، پس‌اندازی برای شرایط سخت: «... سَبِّعْ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ... تُحْصِنُونَ» (یوسف، ۴۸) به هفت سال سختی اشاره می‌کند که مردم از آنچه از پیش برایشان ذخیره شده است، خواهند خورد و بیانگر این موضوع است که سرمایه‌گذاری و پس‌انداز موجب می‌شود، ذخیره‌ای برای شرایط سخت موجود باشد تا افراد جامعه دچار مشکلاتی که ناشی از فقر اقتصادی است نشوند. بنابراین، برای رونق تولید و آمادگی مقابله با بحران‌ها باید به مسئله سرمایه‌گذاری، همان‌طور که در قرآن هم اشاره شده، اهمیت داد.

مواد اولیه: منابع طبیعی است که امکان تولید را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند که در آیات به موارد ذیل بیشتر اشاره شده است: ۱. زمین: آیات «جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا» (نوح، ۱۹) و «إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا» (ملک، ۳۰) اشاره به بستر بودن زمین و نگهدارندگی آن دارد که آب‌های زیر زمینی و بارانی که بر زمین می‌بارد، به دلیل قشر خاص زمین به نوعی در آن نگهداری شده تا از آن گیاهان و درختان بروید و نیازهای انسان را برطرف کند. همچنین معادنی مانند معادن سنگ، آهن و... که در زمین وجود دارد، خود یکی از عوامل مهم تولید است که مواد اولیه برای تولیدات را

فراهم می‌کند؛ ۲. آب: برای هر کاری از کشاورزی و دامداری گرفته تا صنعت و... ضروری است. در آب زندگی و حیات قرار دارد و بدون وجود آن هیچ موجودی نمی‌تواند زنده بماند چه رسد به مولد بودن (زمر، ۲۱)؛ ۳. دریا: مسیری برای حمل و نقل کشتی‌ها و صادرات و واردات است و مواهبی که خداوند در آن قرار داده آن را منبع مهم تجارت نموده و بهره‌برداری از این مواهب زمینه را برای تولید خوراک، پوشاک از قبیل آبیان و جواهرات و حتی استخراج نفت فراهم کرده است (فاطر، ۱۲)؛ ۴. باد: یکی از منابع مهم انرژی است که به دلیل نقش عمده در توربین‌های بادی، تجارت‌های دریایی، کشاورزی و حمل و نقل اهمیت ویژه‌ای در تولید دارد (شوری، ۳۳)؛ ۵. حیوانات (چارپایان): در آیه «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (غافر، ۷۹)، چارپایان فراهم‌کننده موجبات زندگی انسان معرفی شدند، بعضی به‌عنوان وسیله‌ای برای حمل و نقل و برخی منبعی مهم برای تولید مواد غذایی از قبیل ماست، شیر، دوغ، پنیر، گوشت و تولید پوشاک با استفاده از پشم و پوست و موی آنان می‌باشند.

۳. مدیریت

مدیریت یکی از عوامل مهم در تولید است؛ زیرا اگر عوامل تولید به درستی مدیریت نشوند، همه عوامل به هدر رفته، تولید انجام نمی‌شود و در صورت محقق شدن به هدف مورد نظر و تولید بهینه نمی‌انجامد. تولیدی به اهداف خود دست می‌یابد که در انجام آن یکسری اصول شامل تقسیم کار، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، توانایی، تخصص، نظارت و ارزشیابی مدنظر باشد.

تقسیم کار: آشکارترین آیه در بحث تقسیم کار از دیدگاه مفسران، آیه ۳۲ زخرف است که می‌فرماید: «كَانَ قَسْمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» افراد نوع بشر همه مثل همدند و عقل عملی و شعور خاصی که یک فرد داراست در دیگر افراد نیز هست. همان‌طور که این عقل و شعور، فرد را وادار می‌کند به اینکه از همه چیز بهره‌دکشی کند، سایر افراد را نیز وادار می‌کند و همین عقل عملی، افراد را ناچار ساخته به اینکه اجتماعی تعاونی تشکیل دهند و همه در کنار هم کار کنند و از کارکرد هم بهره‌مند شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۴۷).

تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی: یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در بحث مدیریت، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است (یوسف، ۴۷-۴۹): در سوره یوسف به صورت آشکار اهمیت تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی بیان شده است «تَزْرَعُونَ... فَلَذَرُّوهُ... إِلَّا قَلِيلًا... ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ...» ماجرای خواب سلطان مصر که حضرت یوسف (علیه السلام) تعبیری گویا و خالی از هرگونه پرده‌پوشی، و توأم با راهنمایی و برنامه‌ریزی برای آینده تاریک پیش روی آنها، نمونه‌ای از

برنامه‌ریزی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۳۶). به‌طور کلی برنامه‌ریزی فراگرد تصمیم‌گیری درباره فعالیت و کار در آینده است. به دیگر سخن، به وسیله برنامه‌ریزی است که می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت و از طریق آن نحوه بودجه‌بندی و اختصاص منابع و امکانات مشخص می‌شود (علاقه‌بند، ۱۳۸۲).

توانایی و تخصص: سومین مؤلفه ذیل مدیریت، توانایی و تخصص است که آن را می‌توان از آیاتی چون آیه ۳۸ نمل استنباط کرد که می‌فرماید: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا»؛ زیرا از دیدگاه مفسران سلیمان نبی میدان را برای رقابت صحیح باز گذاشته و کلیه افرادی که توانایی انجام این کار را دارند مخاطب قرار داده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۴۳۱). مسئله توانایی و تخصص به معنای پذیرش کار متناسب با توان جسمی، فکری و مدیریتی است که افزون بر اثر مثبت آن در ساماندهی امور اقتصادی، نقش بسزایی در تندرستی، نشاط روحی و نیز حفظ کرامت و شخصیت افراد دارد (علاقه‌بند، ۱۳۸۲).

نظارت و ارزشیابی: بااستناد به آیه ۷۵ آل‌عمران می‌توان گفت مؤلفه آخر در مدیریت، نظارت و ارزشیابی است «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَإِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا...»؛ زیرا در این آیه بیان می‌شود که از اهل کتاب کسانی هستند که اگر او را بر اموال بسیاری امین گردانی، به تو باز می‌گرداند و بعضی از آنان (به قدری نادرست‌اند که) اگر بر دیناری امین گردند، آن را به تو بر نمی‌گردانند، مگر آنکه (برای مطالبه آن) دائماً بالای سر آنان بایستی. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت نظارت و ارزشیابی که فرایند مقایسه عملکرد واقعی با استانداردها و تصحیح انحراف از استانداردها تعریف می‌شود (میرکمالی، ۱۳۸۵، ص ۵۷)، یکی از مؤلفه‌های مهم در مدیریت است که نشان می‌دهد برای برخی افراد در انجام کارها نظارت درونی یعنی وجدان فرد کافی است، اما برای بعضی دیگر نیاز به نظارت بیرونی یعنی مدیر یا کارفرما است.

۴. کسب و کارهای مولد

در تولید یکی از مؤلفه‌های مهم، راه‌های تحقق تولیدات است که این راه‌ها در اقتصاد به‌عنوان انواع کسب و کار شناخته می‌شوند و تولیدات از این مجاری به بازار مصرف‌کننده عرضه می‌شود. قرآن کریم کشاورزی، دامداری، تجارت و صنعت را به‌عنوان کسب و کارهای مهم و مولد در تحقق تولیدات بیشتر مورد تأکید قرار داده است.

کشاورزی: کشاورزی به سبب تأثیر اساسی در زندگی مردم و رونق اقتصادی جامعه مورد تأکید فراوان آیات و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا کشاورزی کاری مولد است که موجب خودکفایی جامعه می‌شود و یکی از منابع مالی مهم اهل بیت علیهم‌السلام هم همین شغل بوده است.

چنان‌که در آیه ۶۱ هود «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» از دیدگاه مفسران، قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌گوید عمران و آبادی زمین را به شما تفویض کرد، اشاره به اینکه وسایل از هر نظر آماده است، اما شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را به دست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۱).

دامداری: در آیه ۵۴ طه «... وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهْيِ» می‌فرماید چارپایانتان را هم بچرانید، که همانا در این کار آیاتی (از ربوبیت) برای خردمندان پدیدار است. این آیه و آیاتی از این قبیل بیانگر این هستند که فرآورده‌های حیوانی بخش مهمی از خوراک و پوشاک و سایر وسایل زندگی انسان را تشکیل می‌دهند، بنابراین دامداری یکی از مشاغل مولد و مؤثر در عرصه تولید و به‌طور کلی اقتصاد است و مانند کشاورزی زمینه‌های استقلال اقتصادی را فراهم می‌آورد (همان).

تجارت: برابر تفاسیر آیه ۲۰ سوره مزمل «يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، تجارت در گذشته از راه‌های مهم تأمین زندگی انسان بوده و امروزه نیز از سودآورترین حرفه‌هاست. در متون حدیثی بر تجارت برای تأمین روزی تأکید شده و به دلیل داشتن فواید بسیار مورد تشویق و سفارش قرار گرفته است. برخی بزرگان دین نیز به تجارت می‌پرداختند، مانند پیامبر گرامی اسلامی ﷺ که با سرمایه حضرت خدیجه تجارت می‌کردند و امام صادق علیه السلام که با دادن سرمایه، دیگران را تشویق به تجارت می‌نمودند (جوادی آملی، ۱۳۹۱). این تأکیدات نشان از اهمیت تجارت به‌عنوان یکی از کسب و کارهای مهم و مؤثر در تولید جامعه است که با رونق دادن به صادرات و واردات موجب پیشرفت کشور و رشد اقتصادی آن می‌شود.

صنعت: آیه ۸۰ سوره انبیا را می‌توان یکی از آیاتی که به صورت مستقیم به لزوم صنعت برای تحقق تولیدات اشاره می‌کند دانست؛ زیرا در این آیه خداوند می‌فرماید «وَاعْلَمْنَا هُصْنَةَ كَيْسٍ لَكُمْ لِنُحْصِنَكُمْ»، که بر اساس آن از دیدگاه مفسران صنعت زرسازی به داوود علیه السلام تعلیم داده شد تا او نیز به دیگران آموزش دهد (قمشه‌ای، ۱۳۸۰)؛ زیرا برخی از نیازهای بشر تنها از طریق صنعت تأمین می‌شود. بنابراین، صنعت یکی از انواع کسب و کارهای مولد است که هر فردی با تجهیز به توانمندی‌های صنعتی متناسب با ویژگی‌های خود می‌تواند در چرخه تولید مؤثر واقع شده، زمینه‌های ایجاد جامعه‌ای مولد را فراهم آورد.

۵. عوامل مادی بهره‌وری

سازمان موفق و مولد، سازمانی است که بتواند به اهداف خود دست یابد و این اهداف از طریق افزایش بهره‌وری محقق می‌شود. به‌طور کلی بهره‌وری عبارت است از: «میزان روابط بین درونداها (نیروی انسانی، سرمایه، منابع طبیعی، انرژی و...) با کیفیت و کمیت برونداها بی نظیر کالاها و

خدمات و سودمندی و مقبولیت آن از سوی جامعه» (میرکمالی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۵). با بررسی آیات به نظر می‌آید دو عامل مادی در بهره‌وری اثر دارد که عامل اول، توجه به کمیت و کیفیت (سبأ، ۱۱) و عامل دوم، توجه به عرضه و تقاضا (اعراف، ۱۶۰) است.

توجه به کمیت و کیفیت: «أَنْ اَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ» که در آیه ۱۱ سبأ به آن اشاره شده است به معنای رعایت کردن اندازه‌های متناسب در حلقه‌های زره و طرز بافتن آن است. در واقع، خداوند به حضرت داوود (عَلَيْهِ السَّلَام) دستوری می‌دهد که باید سر مشقی برای همه صنعتگران و کارگران با ایمان جهان باشد، دستور محکم کاری و رعایت دقت در کیفیت و کمیت در مصنوعات، آن‌چنان که مصرف‌کنندگان به خوبی و راحتی بتوانند از آن استفاده کنند و از استحکام کامل برخوردار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۲). هرگاه مرکزی تولیدی - یا به‌طور کلی جامعه‌ای - به کیفیت بالای محصولات خود شناخته شود، با جذب مشتری و در اختیار گرفتن بازار مصرف، و نیز افزایش سطح تولید و در نتیجه کاهش هزینه‌ها، باعث رونق و رشد اقتصادی خود می‌شود. این مهم برای جامعه اسلامی، افزون بر آثار مثبت اقتصادی، ارزش دینی و اخلاقی به شمار می‌رود که رعایت آن رضای الهی و سود اخروی را نیز دربر دارد (ایروانی، ۱۳۸۴).

توجه به عرضه و تقاضا: در اقتصاد و به‌ویژه بحث تولید، تقاضا مسئله مهمی است. زمانی که عرضه همراه با تقاضا و به دنبال یک نیاز صورت گرفته باشد، کالا مورد قبول واقع شده و بهره‌وری افزایش می‌یابد؛ زیرا به این طریق شناسایی نیازهای واقعی از کاذب با سهولت بیشتری انجام می‌شود، بنابراین، عرضه بعد از تقاضا اهمیت زیادی دارد (همان)، البته به جز در مواردی که وضعیت‌های خاص و شرایط ویژه باشد.

۶. عوامل معنوی بهره‌وری

در بحث بهره‌وری از مسائل مهمی که در آموزه‌های اسلامی مطرح شده و باید افزون بر عوامل مادی به آن توجه کرد عوامل معنوی بهره‌وری از قبیل رزاقیت الهی، تقوا، شکر، ایمان و زهد هستند. رزاقیت الهی: در آیه «يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ» (روم، ۳۷) و همه آیه‌ای که به بحث رزق و روزی‌دهندگی خداوند اشاره دارند، نشان می‌دهد از مهم‌ترین عوامل معنوی بهره‌وری توجه به رزاقیت الهی است، معیشت و رزق همه موجودات، حتی آنها که انسان توان تأمین ندارد، بر عهده خداوند است. همچنین وسعت یا تنگی رزق از شئون ربوبیت خدا و برای رشد و تربیت انسان‌هاست. گاهی ممکن است همه شرایط برای بهره‌وری فراهم باشد، اما وضعیت مطابق میل انسان نباشد و گاه میزان سود و بهره‌وری بیش از تلاش‌هایی است که انجام شده، این‌گونه موارد به

انسان یادآوری می‌کند که روزی‌دهنده واقعی خداوند است و اوست که تقدیر معیشت را در دست دارد (مؤمنون، ۷۲؛ حجر، ۲۰؛ روم، ۳۷؛ بقره، ۲۴۵).

تقوا: در آیات، تقوا عامل نزول برکات، افزایش روزی و در نتیجه بهره‌وری و رشد اقتصادی به شمار آمده است و حتی خداوند، روزی تقوایندگان را خارج از محاسبات عادی، تضمین فرموده است. باورمندی به تأثیر عوامل معنوی همچون تقوا بر امور مادی، هرگز به معنای نپذیرفتن علل طبیعی و تأثیر آنها نیست. از این رو، نباید تقوا را جایگزینی برای کار و تولید دانست، بلکه آن را عاملی معنوی باید شمرد که برتر از عوامل مادی و در طول این عوامل قرار می‌گیرد (اعراف، ۹۶).

شکر: شکر به معنای «شناخت نعمت و اظهار آن» است و دارای سه مرحله: ۱. شکر قلبی: یعنی تصور نعمت و توجه به منعم؛ ۲. شکر زبانی: یعنی ستایش منعم؛ ۳. شکر عملی: یعنی قدردانی و پاسخگویی در برابر نعمت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱). از متون دینی چنین استنباط می‌شود که میان شکر و پیشرفت مادی و اقتصادی، پیوندی استوار وجود دارد. با توجه به مفهوم حقیقی شکر، می‌توان گفت شکر عملی در اقتصاد، یعنی استفاده درست از همه امکانات، فرصت‌ها و توانمندی‌ها برای رشد و سعادت مادی و معنوی جامعه و پرهیز از هدر دادن منابع و عوامل تولید که خود تأثیری مستقیم بر افزایش بهره‌وری دارد (ابراهیم، ۷).

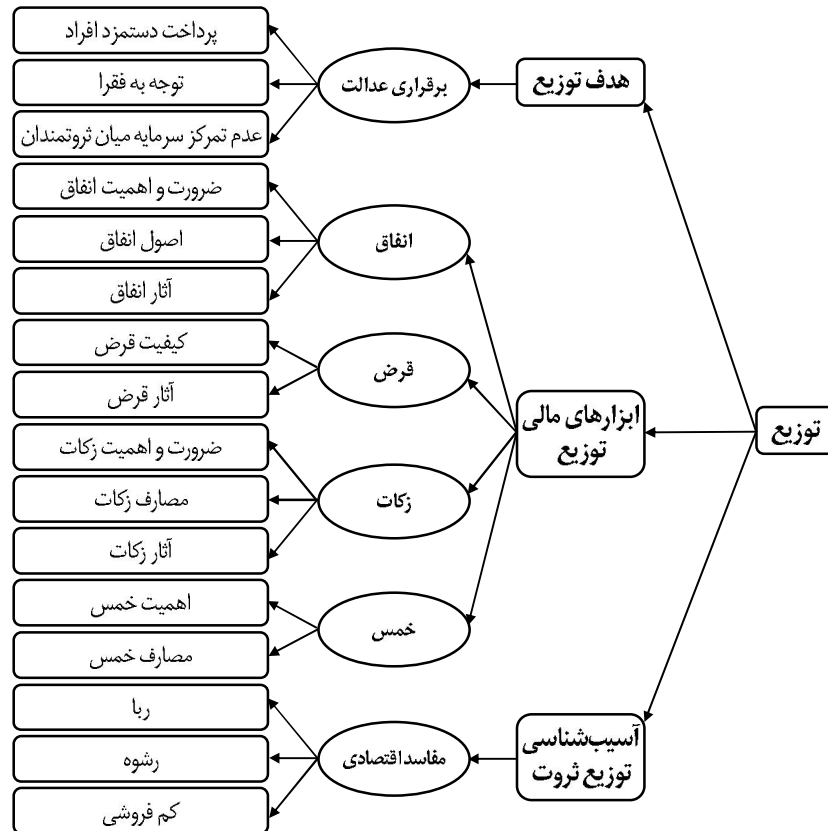
ایمان: ایمان به خدا، معاد و ارزش‌های دینی، به‌عنوان مهم‌ترین پشتوانه اجرایی تربیت اقتصادی نقش تأثیرگذاری در سالم‌سازی و افزایش بهره‌وری و در نتیجه رشد اقتصادی دارد؛ زیرا، از دیدگاه قرآن کریم، همه هستی از جمله انسان، منابع و ابزارهای تولید و فرایند شکل‌گیری آن، همگی آفریده خداوند است. انسان مؤمن در سخت‌ترین شرایط اقتصادی، ناامید نمی‌شود و در بهترین وضعیت، از یاد خدا و مسئولیت خود در برابر او غافل نمی‌شوند (مائده، ۶۶).

زهد: زهد دارای دو بعد است؛ نخست: بعد روحی که به معنای دل‌ن بستن و شیفته نبودن به مظاهر مادی است. زهد در این مرحله، به معنای برخوردار نشدن از امکانات مادی نیست، بلکه به معنای اسیر زخارف دنیایی نشدن است؛ دوم: بعد عملی زهد که همان «برداشت کم با بازدهی زیاد» است. از این رو، زهد عملی مربوط به صرفه‌جویی در مصرف است و عرصه تولید را شامل نمی‌شود (حدید، ۲۳).

بخش دوم: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی ذیل مفهوم توزیع

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع، مؤلفه‌هایی است که در آنها به تخصیص تولیدات انجام شده و درآمدهای حاصل از آن توجه می‌شود تا در نهایت موجب برقراری عدالت در جامعه شود. در برنامه‌های طراحی شده برای دستیابی به هدف تربیت اقتصادی در حوزه توزیع، یعنی برقراری عدالت

و توزیع بهینه درآمد میان همه افراد جامعه باید به این مؤلفه‌ها توجه شود. مؤلفه‌های شناسایی شده در حوزه توزیع به صورت خلاصه در نمودار شماره ۳ و به اجمال در ذیل آن مطرح می‌گردد.



نمودار 3: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع بر اساس آموزه‌های اسلامی (نگارندگان)

۱. برقراری عدالت

عدالت اقتصادی، از مهم‌ترین اصول و والاترین اهداف اسلام است (مطهری، ۱۳۶۷). به نظر می‌رسد تبیین تحقق عدالت در توزیع ثروت، که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد، از سه طریق امکان‌پذیر است:

پرداخت دستمزد: مطابق آیه «... يَدْخُوكَ لِيجْزِيكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...» (قصص، ۲۵) یکی از راه‌های برقراری عدالت، حقوق و درآمدی است که افراد در ازای کاری که انجام می‌دهند، دریافت می‌کنند.

توجه به فقرا: با توجه به آیه «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات، ۱۹) و آیاتی از این نوع، مؤلفه دوم برای برقراری عدالت توجه به فقراست، البته منظور از فقرا افرادی است که، به هر علتی جز تبلی و تن‌پروری، نمی‌توانند کسب درآمد کافی برای تأمین هزینه‌های زندگی داشته‌باشند، مانند معلولان و ناتوانان ذهنی و بدنی، سالخورده‌گان، یتیمان و یا کسانی که با وجود فعالیت و تلاش، مزد واقعی کار خود را به دست نیاورده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

متمرکز نشدن سرمایه در دست ثروتمندان: با استناد به آیاتی مانند آیه ۷ سوره مبارکه حشر می‌توان گفت تشویق ثروتمندان به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، زمینه اشتغال دیگر افراد جامعه را فراهم می‌کند و موجب افزایش تولید می‌شود. از طرفی با تشویق ثروتمندان به سپرده‌گذاری در بانک‌ها و ارائه تسهیلات به متقاضیان وام از طریق این سپرده‌ها، امکان سرمایه‌گذاری آنان را در بخش تولید فراهم می‌شود و موجب رونق اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی می‌گردد.

۲. انفاق

عدالت، با توجه به تأکیدات قرآن، از مهم‌ترین اصول مورد نظر اسلام است و به‌عنوان هدف اصلی توزیع، نیازمند ابزارهایی مانند انفاق است. آیات مختلفی به این مسئله اشاره کرده‌اند. برای نمونه آیه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ... وَاللَّهُ بِحُجْبِ الْمُحْسِنِينَ» (آل‌عمران، ۱۳۴) متقین را افرادی معرفی می‌کند که در راحت و رنج انفاق می‌کنند. این مسئله این قدر از نظر قرآن مهم است که آن را برای عباد الرحمن وظیفه واجب و قطعی می‌داند و بیان می‌کند احسان خالصانه‌ترین نوع انفاق است و یگانه‌ترین راه رسیدن به مقام نیکوکاران است (طباطبایی، ۱۳۷۴).

انجام هر عملی، از جمله انفاق، احکامی دارد که زمینه مقبول شدن آن عمل را فراهم می‌کند، یکی از این احکام، اصولی است که باید در انفاق کردن به آنها توجه کرد (همان). برای رضای خدا و با نیت خالصانه (بقره، ۲۷۲)، با اعتدال و میانه‌روی (اسراء، ۲۹)، پنهانی و بدون خودنمایی

(بقره، ۲۷۱)، از چیزهای موردنیاز و مورد علاقه (دهر، ۸)، بدون منت و آزار (بقره، ۲۶۲)، از مال حلال و طیب (بقره، ۲۶۷)، با در نظر گرفتن اولویت‌ها (بقره، ۲۷۳).

۳. قرض

با استناد به آیات قرآن کریم از جمله آیه ۱۲ سوره مانده، قرض مدنظر قرآن «قَرْضًا حَسَنًا» است. یعنی قرضی که به شیوه‌ای نیکو داده شود؛ زیرا همه آیاتی که به بحث قرض پرداخته، همراه با صفت «حسن» آورده شده است. بر این اساس می‌توان گفت قرض الحسنه چند شرط دارد که عبارتند از:

۱. از مال حلال باشد؛
۲. از چیزهای پست و ناپسند نباشد؛
۳. در زمان صحت و سلامت آن قرض را اعطا کند؛ زیرا در این زمان هوای نفس بیشتر انسان را به استفاده از آن مال و جلوگیری از قرض دادن وسوسه می‌کند؛
۴. به افرادی داده شود که شایسته دریافت این قرض هستند و به‌طور کلی همه اصولی را که در مورد انفاق مدنظر دارد، در اینجا و در همه کمک‌های مالی که انسان انجام می‌دهد، سفارش می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۴. زکات

همراهی و همپایی زکات در کنار نماز در آیات قرآن نشان از اهمیت آن است (بینه، ۵؛ نساء، ۷۷؛ حج، ۴۱؛ لقمان، ۴).

با استناد به آیات قرآن کریم می‌توان گفت: زکات مانند سایر مسائل در اقتصاد اسلامی دارای احکامی است تا مقبول واقع شود. یکی از این احکام، مصارف زکات است که موجب می‌شود زکات به دست کسانی مانند فقرا، مسکینان، کارمندان حکومت اسلامی، جلب دل‌های مخالفان، آزادی بردگان، بدهکاران آبرومند، هزینه‌های عمومی و عام‌المنفعه، در راه ماندگان برسد که شایستگی دریافت آن را دارند. آیه ۶۰ سوره توبه به این مصارف اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴). توجه افراد به اهمیت پرداخت زکات و دقت در رساندن آن به مصارف درست موجب می‌شود، با فراهم کردن زمینه‌های تأمین زندگی محرومان به نحوی از مفاسدی که فقر زمینه‌ساز آنهاست جلوگیری کرده، موجب پاکسازی و رشد جامعه خود شوند (توبه، ۱۰۳)، این امر از یک‌سو، موجب کاهش فاصله طبقاتی می‌شود و از سوی دیگر، موجب شده سرمایه‌هایی که افراد به‌عنوان زکات در این بخش صرف کردند، با رونق اقتصادی جامعه ارزش افزوده پیدا کرده و ثمراتش به خود افراد نیز بازگردد (روم، ۳۹).

۵. خمس

یکی دیگر از روش‌های برقراری عدالت در جامعه پرداخت خمس، یعنی یک‌پنجم اموال است. خداوند برای پیامبر ﷺ و ائمه اطهار و افرادی که به آنها منتسب هستند، به دلیل حفظ عزت نفس و جلوگیری از نیازمند شدن و تحقیر شدن از سوی دیگر افراد جامعه، زکات را حرام کرده و در عوض خمس را مخصوص ایشان قرار داده است؛ زیرا خمس مستقیماً توسط حاکمان یا نماینده آنان به مقدار مشخص، در زمان مشخص و به صورت دائمی و مستمر دریافت می‌شود. یکی از آیات مهم در این زمینه آیه ۴۱ سوره انفال است «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...» بر اساس این آیه برای خمس هم مانند دیگر ابزارهای مالی توزیع، مصارفی در نظر گرفته شده است که در مورد مناسب و به افراد شایسته تعلق بگیرد، این مصارف عبارتند از: سهمی برای خدا و رسولش، سهمی برای خویشاوندان پیامبر ﷺ، سهمی برای یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان خاندان رسول خدا ﷺ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۶. مفاسد اقتصادی

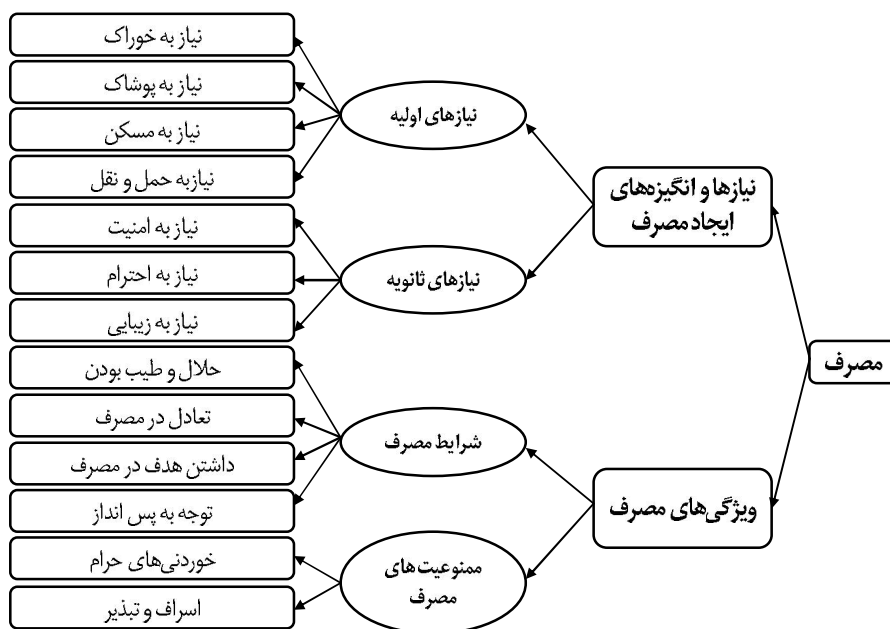
توزیع نابرابر ثروت، عامل بروز دو پدیده شوم «فقر» و «تکاثر» است، این دو پدیده ناشی از مفاسد اقتصادی و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات زندگی، معضلات اجتماعی و مفاسد اخلاقی است (ایروانی، ۱۳۸۴). مفاسد اقتصادی به علت بی‌توجهی به سود عادلانه و منفعت‌طلبی افراد برای کسب سودی بیش از آنچه حق آنان است، ایجاد می‌شود. برخی از مهم‌ترین مصادیق این مفاسد که در آیات بیشتر مورد تأکید قرار گرفته عبارتند از:

ربا: ربا در اقتصاد، مبلغ اضافی یا مقدار زیاده‌ای است که بر اساس شروط معین، وام‌گیرنده به وام‌دهنده پرداخت می‌کند. ربا همان بهره‌ای است که اسلام آن را حرام کرده است (حاجی، ۱۳۹۰). آن‌طور که از آیات مورد بررسی استنباط می‌شود، رباخواری گرچه به ظاهر منبع درآمد و عامل کامیابی است، ولی در واقع موجب می‌شود فقرا فقیرتر و اغنیا ثروتمندتر شوند و عدالت در توزیع از بین می‌رود. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که در آیات رباخوار محارب با خدا معرفی می‌شود و رباخوار به جنگ با خدا برمی‌خیزد (نساء، ۱۶۰-۱۶۱؛ بقره، ۲۷۵؛ آل عمران، ۱۳۲).
رشوه: رشوه‌خواری یکی از موانع بزرگ اجرای عدالت اجتماعی است و موجب می‌شود قوانینی که باید مدافع حقوق طبقات ضعیف باشد، برعکس عمل کرده و ثروتمندان که توانایی مالی دارند با رشوه دادن قادرند از منافع خویش دفاع کنند و هدف اصلی توزیع که برقراری عدالت است، زیر سؤال رفته و چرخه اقتصادی وارد دور باطلی می‌شود که هیچ‌گاه به نتایج مطلوب نخواهد رسید (بقره، ۱۸۸).
احتکار و کم‌فروشی: کم‌فروشی اعتماد و اطمینان را، که رکن مهم مبادلات است، از بین می‌برد

و نظام اقتصادی را به هم می‌ریزد. به‌طور دقیق‌تر کم‌فروشی هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود. این مسئله به دلیل اینکه تأثیر مهمی در چرخه اقتصادی و رسیدن به جامعه مولد دارد، در آیات قرآن بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (مطففین، ۱-۳؛ اعراف، ۸۵).

بخش سوم: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه مصرف

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه مصرف، مؤلفه‌هایی هستند که انسان را به مصرف بهینه سوق داده، او را از افراط و تفریط بازمی‌دارد. برای دستیابی به تربیت اقتصادی مطلوب در این حوزه می‌توان برنامه‌های درسی را بر اساس این محتوا متناسب با سطح درک و انتزاع دانش‌آموزان تدوین کرد. مؤلفه‌های شناسایی شده در حوزه مصرف بر اساس یافته‌های پژوهش، به اجمال در نمودار شماره ۴ ارائه شده است.



نمودار ۴: مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در ذیل مفهوم مصرف بر اساس آموزه‌های اسلامی (نگارندگان)

۱. نیازهای اولیه

نیاز، اساسی‌ترین دلیل مصرف و به نوعی اساسی‌ترین دلیل کل چرخه اقتصادی، یعنی تولید و توزیع و در نهایت مصرف، است؛ زیرا تا زمانی که تولید انجام نشود و به مردم عرضه نگردد، امکان

مصرف آن وجود ندارد. بر اساس آیات مورد بررسی و استنباط نگارندگان از آنها، نیازهای اولیه شامل غذا، پوشاک، مسکن و حمل و نقل است.

نیاز به غذا: یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان، این نیاز است که توجه به رفع آن از مسیر درست و حلال موجب حرکت به سمت هدف اصلی که برای آن آفریده شده است، می‌شود (مانده، ۷۵؛ فرقان، ۲۰). در آیات برای رفع این نیاز مصادیقی بیان شده که می‌توان به مواردی اشاره کرد که عبارت‌اند از: انجیر و زیتون (تین، ۱)، خرما و انگور (یس، ۳۴)، عسل (نحل، ۶۹)، گوشت (حج، ۲۸)، ماهی تازه (نحل، ۱۴) و شیر (نحل، ۶۶) و ...

پوشاک: نیاز به پوشش همانند خوراک یکی از نیازهای فطری و اولیه بشر است. این نیاز هم مبتنی بر آیات از نیازهای اساسی انسان است (اعراف، ۲۶؛ طه، ۱۱۸). مصادیق رفع این نیاز کالاهایی هستند که همیشه تقاضا برای آنها وجود دارند و زمینه را برای توجه به تولید در این بخش فراهم می‌کنند که البته این توجه نباید جامعه را به سمت مصرف‌گرایی سوق دهد، آن‌قدر که از سطح نیاز فراتر رود و بیشتر به جنبه رفاه و تجمل آن توجه شود. در آیات انواع استفاده‌هایی که از پوشاک می‌شود، بیان شده از قبیل پوشاندن بدن (طه، ۱۱۸)، گرم کردن به وسیله البسه از پشم و موی چارپایان (نحل، ۵)، البسه‌ای از جنس سخت به‌عنوان زره برای حفاظت در جنگ (نحل، ۸۱) و به‌عنوان زیورآلات (نحل، ۱۴؛ اعراف، ۳۱).

مسکن: مسکن یکی از نیازهایی است که در آیات گوناگون قرآن به آن اشاره شده است. نکته‌ای که از خود واژه مسکن دریافت می‌شود بحث سکون و آرامش است، یعنی مسکن باید محلی برای استراحت و آرامش باشد. مصادیق رفع نیاز به مسکن نیز در آیات بیان شده و در آن به انواع نیاز به مسکن و شیوه رفع آن مانند اسکان دائم با خانه‌ها و منازل از جنس خشت و گل (نحل، ۸۰)، اسکان موقت از پوست و موی چارپایان برای ایجاد چادر و خیمه به دلیل سبک و قابل حمل بودن (همان)، و حتی پناهگاه‌های کوهستانی برای پنهان شدن در زمان جنگ و مصونیت از گزند راهزنان اشاره شده است (همان).

حمل و نقل: بحث حمل و نقل به این دلیل یک نیاز اولیه مطرح شده که در آیات گوناگون قرآن کریم، وسایل نقلیه به‌عنوان ابزاری برای کار و تولید و به‌ویژه مصرف مدنظر قرار گرفته؛ زیرا خداوند به کرات انسان را به استفاده چارپایان و کشتی‌ها در حمل و نقل تشویق می‌کند و می‌توان گفت دلیل این تأکید نیاز همیشگی انسان به جابه‌جایی و حمل و نقل است (یس، ۴۱-۴۲). مصادیق رفع این نیاز با استنباط از آیات شامل چارپایان (اسب، استر و قاطر) (نحل، ۸) و کشتی‌ها (نحل، ۱۴) است.

۲. نیازهای ثانویه

منظور از نیازهای ثانویه در آیات قرآن و تفاسیر آنها، اشاره به انواع خدماتی است که افزون بر توجه به استفاده افراد از کالاها، بایستی به رفع این گونه نیازها به شرح ذیل توجه کرد:

نیاز به امنیت: امنیت یکی از نیازهایی است که انسان برای ادامه زندگی و پیشبرد اهداف خود و جامعه به آن نیاز دارد. برای نمونه، زمانی که هدف رسیدن به جامعه‌ای مولد و کارآفرین است، ابتدا باید امنیت در آن برقرار شود تا همه نیرو و توان جامعه صرف رسیدن به این هدف شود و درگیر حواشی نگردد. یکی از مهم‌ترین مصادیق برقراری امنیت که در آیات به آن اشاره شده است توسط خداوند و در شکل خانه کعبه است که به‌عنوان مقام امن آن را معرفی کرده است (نور، ۵۵؛ بقره، ۱۲۵).

نیاز به احترام: نیاز به مورد احترام قرار گرفتن، یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است؛ زیرا طبیعت انسان به‌گونه‌ای خلق شده که کرامت به صورت نعمت‌های خدادادی در وجود انسان قرار داده شده است. با توجه به آیات چنین استنباط می‌شود که نه تنها حضرت آدم، بلکه نسل انسان مورد کرامت و برتری و گرامیداشت است (اسراء، ۷۰). از مهم‌ترین مصادیقی که برای این نیاز مطرح شده، مسخر بودن همه آسمان‌ها، زمین و موجودات، سجده فرشتگان در برابر انسان و مقام خلیفه‌اللهی اوست (لقمان، ۲۰).

نیاز به زیبایی: یکی دیگر از نیازهای انسان، نیاز به زیبایی است (اعراف، ۳۲؛ ملک، ۵). در سراسر آموزه‌های اسلامی به نگاه زیبایی‌شناختی تأکید می‌شود و در آیات نمونه‌هایی از زیبایی‌های طبیعت (کهف، ۷)، درّ و مرجان‌های دریا (الرحمن، ۲۲) که به شکل زیورآلات قابل استفاده است و همچنین آفرینش نیکو و زیبای انسان (تین، ۴) را می‌توان به‌عنوان مصادیق زیبایی نام برد. بنابراین، در چرخه اقتصادی باید تولیداتی برای برطرف کردن این نیاز در حد متعارف در نظر گرفته شود.

۳. شرایط مصرف

مصرف آخرین حلقه چرخه اقتصادی است، در اقتصاد اسلامی هر آنچه مورد مصرف قرار می‌گیرد باید ویژگی‌هایی داشته باشد. این ویژگی‌ها به دو صورت است: برخی شرایط مصرف را مشخص می‌کند و برخی نشان‌دهنده ممنوعیت‌های مصرف است. ویژگی‌هایی که نحوه مصرف را مشخص می‌کند با عنوان شرایط مصرف بیان شده‌اند که عبارتند از:

حلال و طیب بودن: یکی از مسائلی که در نظام اقتصاد اسلامی چه در تولید، توزیع و مصرف باید مدنظر باشد، حلال و طیب بودن است. برابر آیات لقمه‌ای حلال است که منجر به عمل صالح می‌شود، بنابراین، برای انجام اعمال صالح و دستیابی به تکامل، باید اسباب و علل آن نیز فراهم شود و حلال بودن مصارف یکی از اسباب رسیدن به اهداف است (بقره، ۱۶۸ و ۱۷۲).

تعادل در مصرف: از معیارها و ارزش‌های مهم اسلامی در همه ابعاد زندگی، از جمله مصرف، اصل اعتدال است. اهمیت رعایت اعتدال و میانه‌روی در مصرف، بدان جهت است که از یک‌سو، نیازهای انسان گوناگون است و از سوی دیگر، منابع و امکانات محدود هستند و زیاده‌روی گروهی در مصرف، محرومیت دیگران را به همراه خواهد داشت (حجر، ۲۱؛ اسراء، ۲۹). از این‌رو، باید نیازهای گوناگون، در نظر گرفته شود و در حد اعتدال به آن رسیدگی گردد. از جنبه دیگر، سلامت و نشاط انسان و پرداختن به ابعاد دیگر زندگی، به‌ویژه امور معنوی، نیازمند مصرف معتدلانه است (ایروانی، ۱۳۸۴).

داشتن هدف در مصرف: در نظام اقتصاد اسلامی مفهوم مصرف به‌طور صرف مدنظر نیست، بلکه خود مصرف وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. برای نمونه، پیامبران و امامان که الگوی بشریت شناخته می‌شوند زمانی که خوردن غذای حلال را وسیله انجام عمل صالح معرفی می‌کنند به صورت غیرمستقیم، این پیام را منتقل می‌کنند که هر عملی باید با یک هدف انجام شود و غذا خوردن و در نتیجه مصرف به‌طور کلی هدف نیست، بلکه هدفی که در گروه غذای حلال خوردن محقق می‌شود مدنظر است، یعنی توفیق عمل صالح (مؤمنون، ۵۱).

۴. ممنوعیت‌های مصرف

در چرخه اقتصادی همه فعالیت‌ها به هدف موفقیت در تولید و رساندن آنها به بازار مصرف و بهره‌برداری از آنها انجام می‌شود. در این قسمت به دو مؤلفه مهم خوردنی‌های حرام و اسراف و تبذیر پرداخته شده است که رعایت آنها تأثیر عمیقی در مسائل تربیتی دارد و موجب جلوگیری از ورود انسان به مسیرهای انحرافی و مصرف‌گرایی می‌شود.

خوردنی‌های حرام: اسلام به مسئله تغذیه، توجه کامل دارد و بارها در مورد غذاهای مضر و حرام هشدار داده است. به همین دلیل در برخی آیات به مواد غذایی اشاره شده است که خوردن آنها موجب بیماری، صدمات جسمی و روحی می‌شود. این خوردنی‌های حرام برابر تفاسیر برگرفته از آیات (بقره، ۱۷۳) عبارتند از: مردار، خون، گوشت خوک و گوشت حیوانی که نام غیرخدا بر آن برده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

اسراف و تبذیر: فرق اسراف و تبذیر در لغت این است که اسراف به معنای تجاوز از حد در هر کاری است که آدمی انجام می‌دهد و واژه تبذیر در اصل به معنای پراکنده ساختن و جدا کردن چیزی است که از پاشیدن بذر در زمین گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۳-۱۱۴). به‌طور کلی می‌توان گفت اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال است، بدون

آنکه انسان چیزی را به ظاهر ضایع کرده باشد، برای نمونه، غذای خود را آن چنان گران قیمت تهیه کند که با قیمت آن بتوان عده زیادی را آبرومندانه یاری رساند، اما تبذیر آن است که مصرف به صورت بی رویه باشد. از مجموع آیات در بحث اسراف چنین برمی آید که اسراف و تبذیر، از آسیب‌های مهم مصرف است که پیامدهای منفی و گاه خطرناکی، چه در بعد اقتصادی و چه در بعد اخلاقی و ارزشی بر جای می‌گذارد که در نهایت موجب تربیت فردی غیراقتصادی می‌شود (اعراف، ۳۱؛ اسراء، ۲۶-۲۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش مفهوم تربیت اقتصادی با توجه به مبانی زیرساختی آن بازتعریف شد. بر این اساس، تربیت اقتصادی عبارت است از: «همه فعالیت‌های آموزشی متناسب با سطح دانش، مهارت و نگرش مترقی به منظور ایجاد بهره‌برداری از منابع موجود به بهترین وجه برای به دست آوردن درآمدی مشروع، توزیع ثروت میان همه افراد جامعه و میانه‌روی در مصرف و بهره‌مندی از آن با در نظر گرفتن شریعت الهی، به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب». یافته‌های پژوهش بیانگر این است که مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در ذیل سه مفهوم تولید، توزیع و مصرف قابل طبقه‌بندی است.

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه تولید، مؤلفه‌هایی هستند که برای تولید هر کالا و یا خدمتی، انسان نیازمند آنهاست تا تولید محقق شود و برای دستیابی به تربیت اقتصادی در بخش تولید می‌توان برنامه‌های درسی را بر اساس این محتوا متناسب با سطح درک و انتزاع دانش آموزان تدوین کرد. در آیات قرآن کریم، در زمینه اهمیت نیروی انسانی به چهار ویژگی مهم دانش، تخصص، توانایی و تعهد (امانت‌داری) اشاره شده است و هیچ‌یک از این عناصر، به تنهایی نمی‌تواند ملاک ارزیابی و مطلوبیت نیروی انسانی باشد. همچنین منظور از منابع مادی و مالی، جایگاه مهم سرمایه‌گذاری و استفاده صحیح از مواد اولیه است که امکان تولید را در زمینه‌های گوناگون فراهم می‌کند. توجه به تقسیم کار، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، توانایی و تخصص و نظارت و ارزشیابی نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریتی است که در مقوله تولید مورد توجه قرار می‌گیرند.

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه توزیع، مؤلفه‌هایی هستند که در آنها به تخصیص تولیدات انجام شده و درآمدهای حاصل از آن توجه می‌شود تا در نهایت موجب برقراری عدالت در جامعه شود. در برنامه‌های طراحی شده برای دستیابی به هدف تربیت اقتصادی در حوزه توزیع، یعنی برقراری عدالت و توزیع بهینه درآمد میان همه افراد جامعه باید به این مؤلفه‌ها توجه شود. در آیات قرآن کریم، در زمینه برقراری عدالت می‌توان به سه طریق پرداخت دستمزد، توجه به فقرا و متمرکز

نشدن سرمایه در دست ثروتمندان اشاره کرد. همچنین با استنباط از آیات می‌توان به ابزارهای برقراری عدالت مانند انفاق، خمس، زکات و قرض اشاره کرد. افزون بر این، آیاتی نیز به مفاسد اقتصادی که موجب اخلال در نظام توزیع می‌شود، از جمله ربا، رشوه، احتکار و کم‌فروشی، اشاره کرده است.

مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در حوزه مصرف، مؤلفه‌هایی هستند که انسان را به مصرف بهینه سوق داده، او را از افراط و تفریط بازمی‌دارد. نیاز، اساسی‌ترین دلیل مصرف و به نوعی اساسی‌ترین دلیل کل چرخه اقتصادی، یعنی تولید و توزیع و در نهایت مصرف است؛ زیرا تا زمانی که تولید انجام نشود و به مردم عرضه نگردد، امکان مصرف آن وجود ندارد. بر اساس آیات مورد بررسی و استنباط نگارندگان از آنها، نیازها به دو دسته نیازهای اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود که نیازهای اولیه شامل خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل و نیازهای ثانویه مانند امنیت، احترام و زیبایی است. همچنین در حوزه مصرف، آیاتی به شرایط و ممنوعیت‌های مصرف اشاره کرده است.

با توجه به نتایج این پژوهش که دیدگاه اسلام را در خصوص مباحث اقتصادی و مؤلفه‌های آن مشخص ساخته است، به منظور اجرایی شدن این مفهوم در نظام آموزشی، لازم است تحقیقات و اقدامات جامع‌تری انجام شود، از این رو، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی در زمینه تبیین اهداف شناختی، نگرشی و توانشی متناسب با سطح رشدی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی با توجه به مؤلفه‌های تربیت اقتصادی تدوین شده در این پژوهش انجام شود.

منابع

*قرآن کریم

- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، قم: انتشارات فاطمه الزهرا.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۳)، «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۱۴، ص ۹۱-۱۲۰.
- _____ (۱۳۸۴)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ایمانی، محسن (۱۳۹۱)، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، پیوند، ش ۳۹۰ و ۳۹۱، ص ۱۵-۱۶.
- پیغامی، عادل؛ تورانی، حیدر (۱۳۹۰)، «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا: ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، س ۹، ش ۳۷، ص ۳۱-۵۲.
- جدیری، محمدحسن (۱۳۷۸)، تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، میانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، تهران: اسراء.
- حیدری، حسن (۱۳۸۰)، تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- حاجی، جعفرعباس (۱۳۹۰)، مکتب اقتصادی اسلام، سیدمحمدکاظم رجایی رامشه، محمدمهدی کرمی، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طغیانی مهدی؛ زاهدی‌وفا، محمدهادی (۱۳۹۱)، «امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی فرهنگ اقتصادی»، سال ۲، ش ۲، پیاپی ششم، ص ۵۵-۷۶.

طهماسبی سروسناتی، رابعه (۱۳۷۹)، تربیت اقتصادی در نهج البلاغه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲)، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران: نشر روان.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، چ ۱۳، تهران: صدرا.

مغنیه، محمدجواد؛ دانش، موسی (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیة.

میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، فرهنگ مدیریت آموزشی، تهران: یسپرون.

Kaminski, H. (1996), *Economic education in secondary school*, Neuwied: Luchterhand.

Santomero, A. (2003), *Knowledge is Power: Importance of Economic Education*, Westchester, Westchester University Press.